

استعدادات

چینیت

Ketabton.com

دیازیت: الحاج محمد شاه (پیمان) سوید

۱۳۹۷



تتبع ونگارش:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگی بحق لاره - جرمنی

www.masjed.se

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سعادت چیست؟

مفهوم سعادت و معانی اصطلاحی آن و فهم ما از سعادت یکی از مطالب مهم و مرکزی در جوامع بشری و زندگی ما انسانها بشمار می‌رود. یکی از سؤال‌های مهمی در زندگی انسان اینست که در یابد که سعادت چیست؟ سعید و خوشبخت کیست؟ سعادت واقعی چیست؟ و چطور میتوان انسان به سعادت واقعی دست یابد؟ یافتن جواب درست و منطقی به این سوالات، به اطمینان کامل حلی برای بسیاری از مشاغل ما شده می‌تواند و درک مفردات آن امر بسیار مهمی بشمار می‌رود.

سعادت در فرهنگ هر ملت و حتی هر انسان مفهوم، محتوی و تعاریف مختلفی دارد. هر گروه و فرقه انسانی سعادت را به شکل خاصی و ذوق خود تعریف و تشریح نموده‌اند و فهم خویش را ازین مفهوم دارند.

کلمه سعادت یا خوشبختی در لغت، توسط علماء به معنای سعادت و خوش طالعی مورد ترجمه و تفسیر قرار گرفته است. همچنان علماء در تعریف سعادت می‌گویند: «سعادت: رسیدن به هر نوع کمال ممکن که انسان استعداد و شایستگی وصول به آن را دارد» و یا به عبارت دیگر: سعادت عبارت از استفاده صحیح، سالم و مشروع از نیروهای مختلف مادی و معنوی که پروردگار در تصرف و اختیار انسان قرار داده است.

این فهم را قرآن عظیم الشان (در سوره شمس آیات: ۷-۱۰) با زیبایی خاصی خویش چنین معرفی می‌فرماید:

﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۗ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۘ قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا ۙ وَقَدْ خَابَ مَن دَسَّاهَا ۚ﴾ [الشمس: 7-10].

از فحوی آیات متبرکه که با صراحت تام معلوم می‌گردد که: فلاح انسان در گرو تزکیه نفس است و «فلاح» همان سعادت و کمال نفس انسانی است، از این نظر که موجب رستگاری و رها شدن انسان از مشکلات است. از آن نظر که موجب دستیابی به خواسته‌هاست «فوز» و از نظر اینکه مطلوب ذاتی است «سعادت» نامیده می‌شود.

اگر ما حکمت و فلسفه خلقت انسان را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم با وضاحت تام در خواهیم یافت که، هدف از خلقت جهان و به تعقیب آن خلقت انسان، رساندن انسان به کمال فضیلت و رساندن انسان به بالاترین کمال انسانی است، بنابر همین منطبق است که گفته می‌توانیم که انسان فطرتاً مخلوق کمال جو و سعادت طلب خلق گردیده است. بناً همه انسان‌ها می‌خواهند خود را به سعادت گم شده خود برسانند.

ولی در این جای شک نیست که انسان‌ها برای رسیدن به معراج سعادت برای خود راه‌ها و وسایل مختلفی را مطرح و پیش‌بینی می‌نمایند.

برخی از انسانها رسیدن به سعادت و خوشبختی متصور خویش را در رسیدن به «لذت» ظاهری و برخی دیگر از انسان‌ها «لذت‌های» باطنی را مایه سعادت و خوشبختی معرفی می‌دارند.

این سینا، سعادت را به فعلیت رسیدن استعدادهای انسان به طور یکنواخت و هماهنگ که موجب کمال انسان می‌شود، معنا کرده‌اند. (رساله سیمای خوشبختی، نوشته حمید رسائی، صفحه ۱۷).

همچنان علماء بدین باور و عقیده‌اند که هر کدام از دو خصوصیت (سعادت و شقاوت) برای خود معنای بخصوصی دارند. بطور مثال: «روح» دارای سعادت و شقاوتی است. و «جسم» هم دارای سعادت و شقاوتی بخصوص خود می‌باشد. بنابر همین منطقی است که قرآن عظیم‌الشان انسان را موجودی مرکب از جسم و روح معرفی داشته است. روحی ابدی و جسمی متحول و متغیر. بنابراین آنچه که تنها مربوط به سعادت، «روح» انسان است. مانند علم، تقوا و امثال آن، از سعادت‌های انسانی می‌شمرد و همچنین اموری که سعادت جسم و روح را با هم دربر دارد، از سعادت‌های انسان محسوب می‌فرماید: مانند نعمت مال و اولاد بشرط آنکه انسان را از یاد پروردگار غافل نکند و دلبستگی به حیات دنیوی را به دنبال نداشته باشد. همچنین سعادت انسان اموری است که در ناحیه جسم و بدن سختی و ناملایماتی را بوجود آورد ولی در ناحیه روح از سعادت شمرده می‌شود، مانند قبول مشقت‌های جسمی در راه خدا، انفاق اموال در راه خدا. اما اموری که در روح شقاوت ایجاد کند، گرچه سعادت جسمانی را به همراه داشته باشد، هیچ‌گونه سعادت را همراه ندارد، مانند لذائذی که فقط جنبه دنیوی غیر مشروع داشته و این لذایذ غیر مشروع دنیوی موجب فراموشی از یاد خداوند گردد. این نوع لذائذ و به اصطلاح سعادت غیر مشروع جسمانی را پروردگار برای انسان در واقعیت عذاب شمرده است.

دین مقدس اسلام، به انسان هشدار می‌دهد که مفهوم زندگی این نیست که انسان یکسره خود را به لذایذ و رنج‌های دنیوی منحصر شمارد. بلکه زندگی ابدی و جاودانه نیز با رنج‌ها و لذت‌های متناسب با اعمال انسان‌ها در راه است و این انسان است که می‌تواند انتخاب کند زندگی زودگذر و فانی، یا سعادت جاودانه و ابدی و همیشگی. دین اسلامی درین راستا اعتدال را مراعات کرده و برای بهره‌گیری از لذایذ مادی و معنوی حدود و ثغور بس عالی و انسانی را تعیین نموده که با پیروی همان گونه که از طبیعت این دین که دین دنیا و آخرت است رهنمایی و هدایت میکند. پیروی ازین اصول سبب صلاح و فلاح دنیا و آخرت خواهد بود.

مسئله است که سعادت و خوشبختی از آن انسان‌ها و جوامع بشری است که آسایش خاطر و آرامش بیشتری داشته باشند. برای عده که سعادت و خوشبختی را تنها در داشتن مال دنیوی خلاصه میکنند باید گفت که: مال و ثروت و قدرت، به هیچ صورت منشأ سعادت و خوشبختی به حساب نمی‌آید، زیرا ثروت و قدرت، رفاه می‌آورند اما حتمی نیست که آرام بخش باشند. یکی از دانشمندان انگلیسی می‌گوید: برای مردم عاقل، ثروت یکی از عوامل اضطراب و بدبختی است. مسئله مهم این است که باید بکوشیم تا مالک ثروت خود باشیم، نه بنده آن. ما باید امیر نفس باشیم نه اسیر نفس. کسانی که در عشق ثروت و قدرت فرورفته‌اند و همیشه خود را اسیر آن ساخته‌اند و متداوماً در فکر آن می‌باشند که مبادا در کشمکش حوادث، مال و دارای خویش را از دست ندهند، بناً همیشه در فکر غرق‌اند.

باید دانست که همچو اشخاص به هیچ وجه روی خوشی را نخواهد دیدی. باید تعمق کرد و دانست که در کفن جیب نیست (**آن هم به گمان است که ببری یا نبری**).

انسان چگونه میتواند به سعادت حقیقی دست یابد:

۱- کسب رضای پروردگار:

اولین چیزیکه انسان میتواند به سعادت واقعی و حقیقی برسد همانا کسب رضای پروردگار با عظمت است. قرآن عظیم الشان در سوره عصر، آنده از انسانهای را از خسران مستثنی می‌سازد که آنان مؤمن و نیکوکار باشند.

قرآن عظیم الشان با صراحت تام بیان میدارد: انسانها مؤمن و نیکو کار به طور حتمی به فلاح و رستگاری دست می‌یابند. ﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ [العصر: 3].

علماء علم اخلاق می‌گویند خوش بخت کسی است که زندگی خوشایندی داشته باشد و رسیدن به این مامل جز با رضا پروردگار در چیزی دیگری بدست نمی‌آید.

۲- تقوا و پرهیزگاری:

دومین عامل رسیدن به سعادت حقیقی را قرآن عظیم الشان در سوره شمس آیه (۹) پس از یازده سوگند و قسم چنین بیان میدارد:

سعادت و رستگاری نصیب آنده از انسانهای است که خود را از پلیدی تطهیر کند و بدبخت کسی است که به ناپاکی روی بیاورد.

یکی از عوامل ارسال کتب سماوی و ارسال پیغمبران الهی در همین فهم خلاصه میگردد، پیغمبران آمده‌اند تا برای ما انسانها راه زندگی و رسیدن به زندگی سادتمند ابدی را نشان دهند. پیامبران الهی مبعوث گردیده‌اند تا برای بشریت راه خیر و راه رسیدن به سعادت را تعلیم دهند. یکی از رسالت انبیاء همین است که برای انسانها راهها و طرق ورود به زندگی سادتمند، خوش بختی، نیکی و نیکوکاری، راستی و درستی و استحکام اخلاقی و خیرخواهی و مهربانی را به آموزند.

۳- یاد پروردگار:

مهمترین عامل و وسیله که موجب خوشی و آرامش روح انسان میگردد، همانا یاد پروردگار است. قرآن عظیم الشان در (سوره رعد: آیه ۲۸) مهمترین عامل و وسیله برای خوشی و آرامش روح را یاد پروردگار معرفی داشته است: ﴿إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ [الرعد: 28]. «تنها با یاد پروردگار است که، قلبها آرام می‌گیرند». البته روی گرداندن از یاد الله را عامل سیه روزی و بدبختی معرفی داشته و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ [طه: ۱۲۴]. «هر کس از یاد من روی گرداند، زندگی‌اش سخت می‌شود». اما باید گفت راز خوشبختی تنها در نور ایمان الهی نهفته است و بس. انسانهای در زندگی خویش خوشبخت هستند که از آرامش نفس و روح حقیقی برخوردار باشند. آنده از انسانهای که سعادت را صرف در زراندوزی و انباشتن مال و منال می‌پندارند در اشتباه‌اند. تجربه به اثبات رسانیده است که مال، و دارای زیاد هیچ وخت برای انسان سعادت را به بار نیاورده، در زیاتر از موارد همین مال و ثروت است که باعث مصیبت‌ها و فلاکت‌های متعددی برای انسان می‌گردد.

۴- عمل صالح:

قرآن عظیم الشان عمل صالح را در اعمالی مانند جهاد فی سبیل الله، امر به معروف، نهی از منکر، بجا آوردن شکر نعمت‌های الهی و توبه را مایه، زندگی با سعادت برای نسان معرفی داشته است.

۵- مجالست و هم نشینی با علماء و بزرگان:

پیغمبر اسلام میفرماید: «سعادت مندترین انسانها کسانی اند که با علماء و شخصیت‌های بزرگوار و کریم هم نشین داشته باشد».

۶- داشتن اولاد صالح:

زن صالحه و منزل شایسته؛ از جمله عوامل است که واقعاً انسان را به سعادت‌مندی واقعی میرساند: در حدیثی از پیغمبر اسلام محمدص روایت است که میفرماید: «من سعادة المرء المسلم الزوجة الصالحة والمسكن الواسع والمركب الهنيء والولد الصالح». «از سعادت انسان مسلمان است که زن شایسته، خانه وسیع، مرکب راهوار و فرزند شایسته نصیبش باشد».

هموطنان و خوانندگان گرامی و محترم!

نصیحت و توصیه اخلاص‌مندان، دوستانه و برادرانه من برای رسیدن به زندگی با سعادت و بهتر، این است:

که با خود تعهد نمایم که مرتکب گناه نشویم. من معتقدم که هرچه گناه و عصیان کمتر باشد زندگی سعادت‌مند لذت‌مند در اختیار خواهیم داشت. بر ماست تا باطن ما بهتر از ظاهر ما باشد.

خوش خلقی را نباید در زندگی فراموش کرد، آنچه که در زندگی از آن فایده‌ای و سعادت اصلی متصور نیست آنرا باید ترک کرد ما باید به این نتیجه در زندگی خویش برسیم که در دنیا آنچه نصیب انسان می‌ماند که با کار آخرت آید.

انسان نباید فریب مال و منال دنیا را خورده و همیشه در فکر پول و پیسه و دارای برآید. در این هیچ جای شک نیست، انسان تا می‌تواند کار و زحمت بکشد تا محتاج کسی نشود و دستش برای دیگران دراز نشود. اما مراعات اعتدال و اوامر الهی درین رستا سبب صلاح و فلاح هر دو عالم خواهد گردید.

الهی ما را سعادت دارین نصیب فرما.

الهی پرودگارا بر خود ظلم روا داشته‌ایم اگر بر ما ترحم او درگذشت نه کنی از جمله خساره مندان خواهیم بود.

ربنا ظلمنا أنفسنا أن لم تغفر لنا وترحمنا فنكونن من الخاسرين.

ومن الله التوفيق

سعادت چیست ؟

تتبع ونگارش :

امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و

مسؤل مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی

درس ارتباطی : بریننا لیک :

saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**